

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح به آمریکا و کشورهای منطقه هشدار داد
آتش هر جنگ جدیدی علیه ایران دامن همه را می گیرد

امنیت همه یا هیچ کس

شبه‌شنبه ۱۴ مهر ۱۴۰۵ | ۲۴ ربیع‌الثانی ۱۴۴۸ | ۲۰ اکتبر ۲۰۲۶ | سال هجدهم | شماره ۴۷۷۷۲ | صفحه ۲۰ هزار تومان

صفحه ۲

VATANEMROOZ.IR

روزنامه صبح ایران



۱۹۲۷ سال و ۴۶ روز گذشته |

صفحه ۳

رئیس‌جمهور تروریست آمریکا همزمان با افت محبوبیت
به محدود کردن رأی دهندگان و ادعای تقلب رو آورده است

اعتراف زود هنگام به شکست

VATAN-E-EMROOZ | VOL.18 | NO.4727 | TUE.OCT.06,2026 | ISSN:2008-2886

گزارش «وطن امروز» از جایگزینی سکان‌دار وزارت نفت به عنوان اولین تغییر پزشک‌یان در کابینه و پیام‌های آن

ترمیم مسعود

صفحه ۲

کسب‌یر President.ir

تیتربهای امروز



آمریکا بمب‌افکن‌های راهبردی خود را از فرورد انگلیس خارج کرد

فرار جنگنده‌ها

صفحه ۳

گزارش «وطن امروز» از تصمیم شهرداری تهران برای تثبیت قیمت اقلام خوراکی

پاتک به تورم

صفحه ۴

خوانشی از پیام‌اخیر رهبر انقلاب به مناسبت هفته دفاع مقدس

از «ایام‌الله» تا افق پیروزی

همین صفحه

مردم، قدرت ایران



نگاه جعفر حسن‌خانی

با تأمل نظری بر پیام‌های رهبر فرزانه انقلاب اسلامی می‌توان در پس آنها نوعی نظریه ضمنی درباره مردم، دولت و قدرت را تشخیص داد. هسته این نظرگاه را شاید بتوان «مردم‌پایگی قدرت» نام نهاد. مردم‌پایگی قدرت تعبیری تحلیلی است برای توضیح این ایده که قدرت ملی در ایران افزون بر نهاد دولت، ارتش، منابع مادی یا دستگاه اداری، در نسبت زنده میان حاکمیت و جامعه تولید می‌شود. در این نگاه، مردم افزون بر اینکه صاحبان رأی و پشتوانه اخلاقی نظام هستند، ماده اولیه خود قدرت هم هستند.

نقطه آغاز این خوانش، نخستین پیام حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای است؛ آنجا که می‌فرمایند در فاصله فقدان رهبر و فرمانده کل قوا «این شما مردم بودید که کشور را رهبری و اقتدار آن را ضمانت کردید». در همین بیان جایگاه مردم از «حامی قدرت» به «حامل قدرت» ارتقا می‌یابد. این عبارت یک دلالت نظری مهم دارد و آن اینکه حاکمیت همه قدرت را در خود انباشته نکرده است؛ در زیرساخت رسمی حکومت، ذخیره‌ای اجتماعی از قدرت وجود دارد که در لحظه بحران می‌تواند به میدان بیاید و از گسیختگی نظم جلوگیری کند. در زبان نظریه سیاسی، می‌توان این وضعیت را به تمایز میان قدرت تأسیس شده و قدرت مؤسس نزدیک کرد؛ نهادهای صورت متعین قدرندند و جامعه نیرویی است که امکان بقا و بازتولید آنها را فراهم می‌کند.

از همین منظر، مفهوم «مردم بعثت‌یافته» اهمیت می‌یابد. بعثت در این کاربرد بیش از یک تعبیر حماسی است، اساساً لحظه تبدیل جمعیت به سوزه سیاسی است. جامعه در وضعیت عادی مجموعه‌ای از افراد، گروه‌ها، طبقات و سلاقی متفاوت است اما در لحظه تاریخی می‌تواند از پراکندگی عبور کند و به کش جمعی برسد. اینجاست که در این خوانش، قدرت بیش از آنکه مترادف اجبار باشد، از توانایی انسان‌ها برای با هم عمل کردن ناشی می‌شود. کارخانه، مدرسه، خانواده و دانشگاه نیز در چنین برداشتی مکان تولید قدرتند. تأکید حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای بر معلم و کارگر به عنوان عناصر محوری قدرت فرهنگی و اقتصادی دقیقاً در همین هندسه قرار می‌گیرد.

این برداشت، مفهوم دولت قوی را نیز تغییر می‌دهد. دولت قوی لزوماً دولتی نیست که جامعه را بیشتر کنترل کند، دولتی است که بتواند ظرفیت‌های جامعه را بهتر به قدرت عمومی تبدیل کند.

ادامه در صفحه ۲

■ دوگانه‌ای که ستون اصلی پیام است

مضمون پیام بر مجموعه‌ای از دوگانه‌های روشن بنا شده است: تاریکی و نور، وابستگی و استقلال، ذلت و عزت، عقب‌ماندگی و پیشرفت، ترس و شجاعت و سرانجام شکست و پیروزی.

این دوگانه‌ها به متن انسجام می‌دهد و تاریخ معاصر ایران را به صورت حرکتی از یک وضعیت به وضعیت دیگر بازسازی می‌کند. دوران پیش از انقلاب، دوری با سسله بیگانگان، تحقیر ملی و وابستگی سیاسی و اقتصادی توصیف می‌شود و در مقابل، دوره پس از انقلاب متنش، دفاع مقدس را رخدادی متعلق به گذشته می‌داند، بلکه آن را نقطه آغاز مسیری معرفی می‌کند که از انقلاب اسلامی آغاز شده، در جنگ تحمیلی تثبیت شده و در تحولات منطقه‌ای امروز ادامه یافته است. ساختار اصلی پیام بر یک مقایسه تاریخی استوار است: «آن روزها» در برابر «این روزها». در یک سوی این دوگانه، ایران وابسته، آسیب‌پذیر و گرفتار دخالت بیگانگان قرار دارد و در سوی دیگر، کشوری مستقل، برخوردار از اعتماد به نفس راهبردی و اثرگذار در معادلات منطقه‌ای و جهانی.

■ «ایام‌الله»: چارچوبی برای خواندن تاریخ

پیام با آیهای از قرآن آغاز می‌شود که در آن، یادآوری «ایام‌الله»، راهی برای عبور از تاریکی و ورود به نور معرفی شده است. همین انتخاب، کلید فهم متن است. دفاع مقدس در این روایت، تنها یک جنگ یا حادثه نظامی نیست، بلکه یکی از لحظات ظهور اراده الهی در تاریخ ملت ایران است؛ واقعه‌ای که باید به یاد آورده شود، زیرا حامل در‌های اخلاقی، سیاسی و تمدنی است. ارجاع به نهضت ملی شدن صنعت نفت و کودتای ۲۸ مرداد، جنگ تحمیلی را در امتداد تاریخ طولانی‌تری از مداخلات خارجی قرار می‌دهد. متن نشان می‌دهد که مداخلات خارجی و کودتای ۲۸ مرداد، تنها بخشی از یک روند بزرگ‌تر است. تقابل میان استقلال‌خواهی ملت ایران و قدرت‌هایی بود که منافع خود را در وابستگی کشور جست‌وجوی کردند. بر اساس این روایت، انقلاب اسلامی پایان آن دوره تاریخی بود و دفاع مقدس نخستین آزمون بزرگ نظام تازه‌تأسیس در برابر تلاش قدرت‌های خارجی برای بازگرداندن ایران به وضعیت پیشین.

خوانشی از پیام‌اخیر رهبر انقلاب به مناسبت هفته دفاع مقدس

از «ایام‌الله» تا افق پیروزی

نیروهای دشمن قرار داشت و آن را با وضعیت امروز مقایسه می‌کند؛ وضعیتی که در آن، نیروهای متجاوز در برابر توان رزمندگان و محافظان تنگ هر مز ناچار به عقب‌نشینی یا تحمل آسیب شده‌اند.

نسبت قدرت تغییر کرده است؛ ایران دیگر صرفاً در حال دفع تهدید از مرزهای خود نیست، بلکه توان آن را یافته که محاسبات طرف مقابل را در محیط پیرامونی و حتی فراتر از آن تحت تأثیر قرار دهد.

در این معنا، دفاع مقدس از یک مفهوم تاریخی به یک الگوی امنیتی تبدیل می‌شود؛ الگویی که بر توسعه عمق راهبردی و انتقال هزینه تهدید به جغرافیای دشمن استوار است.

■ مردم؛ از مخاطب پیام تا کنشگر مقاومت

رهبر انقلاب اسلامی مردم را تنها دریافت‌کننده حمایت یا مخاطب عاطفی خود نمی‌داند، مردم کنشگرانی فعالند که با حضور در خیابان‌ها، اعلام آمادگی و پشتیبانی از رزمندگان، بخشی از میدان مقاومت را شکل می‌دهند.

اشاره به حضور اقوام مختلف و مشارکت زنان نیز از همین منظر اهمیت دارد. پیام معظم‌له، مقاومت را از قالبی صرفاً نظامی و مردانه خارج و آن را به تجربه‌ای اجتماعی و ملی تبدیل می‌کند. تأکید بر اینکه زنان در برخی عرصه‌های شجاعت از مردان پیشی گرفته‌اند، تصویری فراگیرتر از جامعه مقاوم ارائه می‌کند؛ جامعه‌ای که در آن دفاع از کشور و آرمان، به گروه یا جنسیت خاصی محدود نیست. در این چارچوب، مردم نه تماشاگر تحولات، بلکه پشتوانه اجتماعی قدرت ملی‌اند.

■ رهبری؛ غیبت اشخاص و استمرار میراث

در بخشی دیگر، از فقدان حضرت امام خمینی و حضرت آیت‌الله‌العظمی‌امام شهید خامنه‌ای سخن گفته می‌شود اما این فقدان بلافاصله با تأکید بر میراث فکری و عملی آن بزرگواران همراه می‌شود.

ایسن بخش، یکی از مهم‌ترین لایه‌های اندیشه‌ای متن را آشکار می‌کند: رهبران ممکن است از میان مردم رفته باشند اما راه آنان با مجموعه‌ای از تصمیم‌ها، سخنان و تجربه‌های تاریخی ادامه می‌یابد. پیام، از این طریق، میان غیبت اشخاص و استمرار مسیر سیاسی و اعتقادی فاصله می‌گذارد.

در واقع، متن، رهبری را از سطح حضور فردی به سطح یک سنت تاریخی ارتقا می‌دهد؛ سنتی که می‌تواند نسل‌های بعد را هدایت کند و آینده را در امتداد گذشته شکل دهد.

■ شهید نصرالله: رهبر حزب‌الله تا چهره‌ای تاریخی

در بخش مربوط به مجاهد شهید «سیدحسین نصرالله» لحن پیام عاطفی‌تر و شخصیت‌محورتر می‌شود. نصرالله در متن فقط رهبر حزب‌الله یا فرمانده یک گروه مقاومت نیست، بلکه به عنوان شخصیتی تاریخی و فراملی معرفی می‌شود که توانست نام لبنان را از حیط خلوت قدرت‌های خارجی به جایگاهی پرافتخار در جهان اسلام ارتقا دهد.

ویژگی‌هایی که برای او برشمرده می‌شود، ترکیبی از خیرخواهی، صداقت، شجاعت و قدرت اقتناع است. پیام، میان خطابه و عمل او تفکیک نمی‌کند؛ سخنانش را استوارکننده دل‌ها و اقداماتش را شجاعانه می‌خواند. این ترکیب نشان می‌دهد در منطق متن، رهبری موفق تنها با توان نظامی یا سازمانی تعریف نمی‌شود، بلکه به اعتماد عمومی و توان تولید معنا نیز وابسته است.

نصرالله در این روایت، به نماد پیوند میان ملت لبنان و جبهه مقاومت تبدیل می‌شود؛ شخصیتی که مخاطب او تنها لبنانی‌ها یا نیروهای حزب‌الله نیستند، بلکه «زادگان جهان» هستند.

■ انتقال پرچم؛ پاسخ به مسأله جانشینی

این نگاه، پاسخی به یکی از مهم‌ترین پرسش‌های پس از فقدان رهبران کارزماتیک است: آیا سازمان می‌تواند بدون بنیان‌گذار یا رهبر تاریخی خود به حیات ادامه دهد؟ پیام پاسخ می‌دهد: شهادت نصرالله پایان راه نیست، بلکه مرحله‌ای برای انتقال مسئولیت به نسل بعد رهبری است. در این چارچوب، جانشینی نه نشانه خلأ بلکه نشانه استمرار معرفی می‌شود.

■ تاریخ؛ داور نهایی

در پایان بخش مربوط به لبنان، پیام ۲ آینده متفاوت برآی ۲ گروه ترسیم می‌کند: مقاومتان که در تاریخ

همچون ستارگان می‌درخشند و کسانی که به وعده قدرت‌های سلطه‌گر تکیه کرده‌اند و سرانجام بای‌تدبیری یا خیانت به یاد آورده خواهند شد.

این بخش، تاریخ را داور نهایی رفتار سیاسی معرفی می‌کند. تبلیغات و محاسبات کوتاه‌مدت نمی‌تواند جایگاه واقعی افراد و جریان‌ها را تعیین کند؛ این قضاوت نسل‌های آینده است که مشخص خواهد کرد چه کسانی در کنار مردم و مقاومت ایستادند و چه کسانی به حمایت قدرت‌های خارجی دل بستند.

هرچند این دآوری در متن کمال‌ارزشی و دوگانه است اما از منظر ژورنالیستی و اندیشه‌ای، نشان می‌دهد پیام در حال ساخت نوعی حافظه تاریخی است؛ حافظه‌ای که در آن، مقاومت با عزت و وابستگی با سراق‌کنندگی پیوند می‌خورد.

■ جمع‌بندی: پیام مقاومت در برابر فراموشی

این پیام را می‌توان در ۳ سطح خواند: در سطح تاریخی، دفاع مقدس سرچشمه استقلال و اقتدار ایران است؛ در سطح هویتی، مردم، انقلاب، اسلام و مقاومت در یک منظومه واحد قرار می‌گیرند و در سطح آینده‌نگر، ایران و جبهه مقاومت نیروهایی معرفی می‌شوند که مسیر آنان به سوی پیروزی و گسترش اثرگذاری ادامه دارد.

نقطه اصلی، تبدیل دفاع مقدس از یک خاطره به یک الگوی زنده است. جنگ در این روایت پایان نیافته، بلکه شکل آن تغییر کرده است. استعاره ققنوس نیز برای آینده‌نگر، ایران و جبهه مقاومت نیروهایی معرفی می‌شوند که مسیر آنان به سوی پیروزی و گسترش اثرگذاری دوباره آن فراهم می‌کند.

در کنار آن، معرفی سیدحسین نصرالله به عنوان نماد صداقت، شجاعت و رهبری منعابخش، تلاش دارد میراث او را از سطح سوگ و یادبود فراتر ببرد و به سرمایه‌ای برای آینده مقاومت تبدیل کند.

در نهایت، پیام بر یک گزاره بنیادین استوار است: گذشته صرفاً برای یادآوری رنج‌ها نیست، گذشته دلیلی برای باور به امکان پیروزی است. از نگاه متن، ایران و مقاومت منطقه‌ای از جنگ، فشار و فقدان عبور کرده‌اند و اکنون در مرحله‌ای قرار دارند که تاریخ، نه آنان، بلکه دشمنان و وابستگان به سلطه را به دآوری خواهد کشید.